

## بررسی تطبیقی سنگ‌نوشته‌های طبقات مختلف مردم دو دوره ایوبیان و ممالیک در مصر

۱. سید محمدرضی مصطفوی‌نیا\*، ۲. امین بخت‌دار\*\*

۱- دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه قم، قم، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات عربی دانشگاه قم، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۲۳)

### چکیده

با مشاهده سنگ قبرها در دوره‌های مختلف، تأثیر ادب را بر این سنگ‌نوشته‌ها می‌توان مشاهده کرد. سنگ قبرها را می‌توان آینه‌ای از تأثیر عقاید بر زندگی افراد و دوران پس از زندگی دانست. یقیناً می‌توان گفت که سنگ قبرها همواره مورد توجه محققان در زمینه‌های مختلف بوده‌است و جنبه‌های گوناگون آن را بررسی کرده‌اند و این پژوهش‌ها محدود به دوره یا مکانی خاص نمی‌شود و افراد با دیدگاه‌های مختلف به بررسی این منابع تاریخی می‌پردازند. جستار حاضر می‌کوشد تا پس از توضیح مختصری درباره سنگ قبرها و اشکال مختلف آن، به بررسی و تحلیل نظریات مختلف پیرامون جنبه‌های سنگ قبر و میزان تأثیر جایگاه افراد را در دو دوره ذکر نماید. با این پژوهش مختصر روشن می‌شود که سنگ قبرها یکی از مواردی است که فرد به آن یک دید و میراثی دارد و آن را برای جاوید ساختن نام خود و اطرافیان خود می‌پردازد و سعی می‌کند آن را با مقداری هنر و به دور از تقلید از گذشتگان به نمایش آیندگان بگذارد و هنرمند می‌کوشد تا با مغنم شمردن فضای موجود اثر خود را که نوعی موجود زنده است، روی این سنگ قبرها جاویدان سازد و ردی را از هنر زرین خود را بر جای گذارد. خلفای این دوره با به‌کارگیری بیشترین مضامین برای جاودان ساختن نام خود، برجسته‌ترین طبقه آن دوره در این زمینه می‌باشد و طبقه مردم عادی جامعه، کمترین بهره را از این مضامین ادبی برده‌است.

**کلیدواژه‌ها:** ادبیات تطبیقی، ادبیات هنری، ایوبیان، ممالیک، سنگ قبر، مصر.

\* نویسنده مسئول (E-mail: dr\_amostafavinia@yahoo.com)

\*\* E-mail: Aminbakht8@gmail.com

## ۱. مقدمه

مصریان یکی از ملت‌های پیشرو در ایجاد اثرهای زیبا و باشکوه از دوره‌های گذشته تا زمان حال بوده‌اند. آثار به جا مانده از بناهای تاریخی در کشور مصر دلیلی بر اثبات این ادعاست. آنان شکوه و عزت را در خلق بناهای عظیم و باشکوه می‌دانستند. بیشتر این آثار را می‌توان در زمینه‌های سیاسی، دینی، فرهنگی، اجتماعی و ادبی مشاهده کرد. این اثرهای هنری در دوره‌های مختلف اشکال مختلفی را به خود می‌گرفت و تفاوت‌هایی را با سایر دوره‌ها مشاهده می‌کنیم. این نشان می‌دهد که مصریان برای گذران زندگی خویش تحت تأثیر شرایط محیط اطراف خود قرار می‌گرفتند و شرایط محیطی یکی از عواملی است که باعث پیدایش تفاوت در دوره‌های مختلف می‌شود. این آثار هنری را می‌توان با بررسی نوشته‌های موجود بر بناهای آن دوره مشاهده کرد. در این میان، سنگ قبرها اطلاعات هنری و ادبی فراوانی دارند؛ زیرا نه تنها منابعی برای فهم اثرهای هنری آن دوره، بلکه منابعی برای درک رابطه میان ادب و آثار باستانی و هنری هستند. سنگ قبرهای دوره‌های گذشته سندهای ارزشمندی به شمار می‌روند که محققان را واداشته در زمینه تأثیر جامعه بر نوشته‌های سنگ قبرها مقالات متعددی را بنویسند و به عرصه علم وارد کنند.

یکی از جنبه‌های مهم در شناخت تفاوت میان سنگ قبرها، نوشتار روی آن‌هاست. این نوشتار در دو دوره ایوبیان و ممالیک نشان‌دهنده وضعیت افراد و چگونگی عقاید آن‌ها بوده‌است. افراد حاضر در این دو دوره سنگ‌نوشته‌ها را در مضامین گوناگونی همچون مدح خدا و انبیا، آوردن القاب خود، پیشه افراد، رابطه‌های خانوادگی آن‌ها و طلب مغفرت از بازماندگان بازگو می‌کنند تا با استفاده از این مضامین بتوانند شکل زندگی خود را از دیگران تمییز دهند. حال، این سبک نوشتار در آن دوره پژوهشگر را با چالش‌ها و ظرفیت‌های جدیدی روبه‌رو می‌سازد که به بررسی تفاوت‌های زندگی هر طبقه از افراد در آن دو دوره می‌پردازد. از لحاظ گستردگی طبقات اجتماعی گوناگون در آن دو دوره، در این جستار با مشاهده بیست نوشتار سنگ قبر از هر چهار طبقه اجتماعی (سلاطین و خلفا، فقیهان و اندیشمندان، پیروان عقیده صوفیه و مردمان عادی) آن دو دوره به بررسی می‌پردازد. سنگ قبرها اهمیت چندانی را برای محققان زبان‌ها و عقاید مختلف دارند و این باعث شده‌است که مقالات و منابع مختلفی به رشته تحریر درآیند. از

جمله آن‌ها می‌توان به پایان‌نامه کارشناسی ارشد حیدر دراجی که در سال ۱۳۹۴ با موضوع «بررسی تطبیقی سنگ‌قبرنوشته‌ها در قم و نجف در قرن بیستم» اشاره کرد. در این پایان‌نامه، نویسنده به بررسی تطبیقی نوشته‌های سنگ‌قبرهای افراد مختلف در دو پایتخت مذهبی جهان اسلام پرداخته‌است و وجوه تشابه و تفاوت در سنگ‌نوشته‌های دو شهر را از حیث مضامین بررسی می‌کند. در مقاله‌ای که از نینا صفی‌خانی در سال ۱۳۹۳ با موضوع «نشانه‌شناسی سنگ‌قبر قبرستان تخت‌فولاد اصفهان با تأکید بر نقوش حیوانی شیر و ماهی»، پژوهشگر به بررسی و رمزگشایی نقوش دو حیوان بر سنگ‌قبرهای موجود در گورستان تخت‌فولاد اصفهان می‌پردازد و تأثیر عقاید مردم را در استفاده این نقوش روشن می‌سازد. در مقاله‌ای از خانم Alina Felea که در سال ۲۰۱۳ میلادی با عنوان « Epitaph In Romanian, Russian, Polish And Lithuanian » به بررسی و تبیین تأثیر عقاید دینی بر سنگ‌قبرهای موجود در گورستان‌ها و کلیساهای چهار کشور رومانی، روسیه، لهستان و لیتوانی در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ میلادی می‌پردازد و نیز استفاده از تأثیر انسان‌شناسی<sup>۱</sup> در این نوشته‌ها را پس از جنگ جهانی دوم شرح می‌دهد. این پژوهش تسلیم کارآمد بودن پژوهش‌های گذشته می‌باشد و هر یک از مقالات به بررسی جنبه خاصی از سنگ‌قبرها پرداخته‌است و این مقاله هم از آن‌ها مستثنی نبوده‌است و از نظر نوشتاری، با رویکرد تاریخی به بررسی سنگ‌قبرهای دو دوره می‌پردازد. در این مقاله، ابتدا سعی می‌شود برای درک بهتر شرایط، توضیح مختصری درباره دو حکومت ایوبیان و ممالیک داده شود و پس از آن، با توضیح سنگ‌قبرها و استفاده از منابع موجود در کتابخانه، هر یک از مضامین به کار رفته بر سنگ‌قبرها را بررسی نموده، سپس با جمع‌آوری عناصر مشترک میان آن‌ها با استفاده از شیوه توصیفی تحلیلی به اختصار به مقایسه عناصر مشترک پردازد و بعد از آن، با استفاده از روش آماری، پرکاربردترین مضامین را مشخص نماید.

## ۲. ایوبیان و ممالیک

ایوبیان حاکمان کُرد و اصالتاً ایرانی‌نژاد بودند که از سال ۵۶۴ تا ۶۵۰ هجری قمری، برابر با قرن ۱۲ و ۱۳ میلادی بر مصر، سوریه و یمن حکومت کردند و این دوران حکومتی برابر با به قدرت رسیدن سلجوقیان در ایران است. صلاح‌الدین ایوبی مؤسس

حکومت ایوبیان محسوب می‌شود؛ چراکه وی آخرین آثار حکومت فاطمیان را در مصر محو کرد و در محدوده حکومت آنان، حکومتی را مبتنی بر تعالیم اسلامی و بر پایه مذهب تسنن را در پیش گرفت. در این دوره، با روی کار آمدن صلاح‌الدین ایوبی، به دلیل ذوق هنری که داشت، باعث گسترش ادب و هنر و نیز تغییر طرز تفکر مصریان شد و ذوق و هنر را با الهام از تفکر و ادب را به مصریان تقدیم کرد. حتی این را زمانی که در حکومت فاطمیان به عنوان وزیر فعالیت می‌کرد، می‌توان دید (ر.ک؛ طقوش، ۱۳۸۰: ۳۶۶).

ممالیک وارثان حکومت ترک‌شده ایوبیان در مصر و شام بودند که از سال ۶۴۸ تا ۹۲۲ قمری (۱۳-۱۶ م.) حکومت کردند. ایوبیان مانند سایر حکومت‌ها برای پشتیبانی از قلمرو و منافع خویش لازم دیدند که عده‌ای از غلامان را به خدمت خود درآورند. در زمان حکومت ترک الملک الصالح نجم‌الدین ایوبی شورشی آغاز شد و نتیجه آن حکومتی شد که در مدت ۲۷۵ سال فرمانروایی منطقه را در دست داشت و دولتی منظم و با عظمت را به‌رغم جنگ‌های داخلی و آشوب‌های سیاسی متعدد به وجود آمد که هنوز آثار آن در مصر و سوریه باقی مانده‌است و این دوره را می‌توان عصر طلایی رشد هنرهای مختلف در مصر در نظر گرفت. در پس این درخشندگی، می‌توان تمایل پادشاهان مملوک را به بنای ساختمان‌های متعدد مانند مساجد و مدارس مشاهده کرد. یکی دیگر از عوامل پیشرفت هنر در این دوره می‌توان به مهاجرت هنرمندانی از کشورهای ایران عراق و شام به مصر اشاره کرد؛ زیرا حملات زیاد مغولان در نیمه قرن ۷ هجری (۱۳ م.) به کشورهای مذکور هنرمندان شاخص این کشورها را وادار به مهاجرت کرد تا آنان آثارشان را در سایه امنی به دور از خطرات نابودی به نمایش همگان بگذارند، آنان رد پاهایی از هنر خود را بر سنگ قبرهای سلاطین به نمایش گذاشتند که تا به حال می‌توان آن‌ها را در موزه‌های مختلف مشاهده کرد (ر.ک؛ ابن‌خلکان، ۱۳۸۱: ۵۰۳؛ شاندرو، ۱۳۸۱: ۳۳۲؛ بوسورث، ۱۳۷۱: ۱۰؛ شاکر الحرستانی، ۲۰۰۰: ۳۰۴؛ گروسه رنه، ۱۳۶۳: ۱۷۵ و Shilington, 2012: 339).

### ۳. سیر تاریخی هنر در اسلام

به‌راستی که هنر اسلامی از قرن سوم هجری (۹ م.) رنگ و بوی دیگری را به خود گرفت و از آن پیکره قدیمی و کلاسیک دوره‌های گذشته خود جدا شد و تحولی نوین را به خود گرفت.

### ۴. قبر و سنگ قبر

«قبر» در لغت به معنای «آرامگاه، گور و مزار» است و در اصطلاح به معنای «جایی است که کسی دفن می‌شود». سنگ قبر سنگی است که روی قبر قرار می‌دهند و بر آن نام متوفی و تاریخ وفاتش را ذکر می‌کنند. از نظر باستان‌شناسی، سنگی است که محل یک تدفین را در دل خاک مشخص می‌کند و معمولاً منقوش است یا دارای نوشته است. سنگ قبر تعریف‌های فراوانی دارد. همچنین، در زبان‌ها و گویش‌های مختلف معانی و الفاظ خاصی را به کار می‌برند؛ از جمله می‌توان به چهار زبان پویا در عصر حاضر اشاره کرد که در زبان انگلیسی به عنوان Tomb Stone یا Gravestone یاد می‌شود (ر.ک؛ کراولی، ۱۳۹۰: ۱۷۱). در زبان عربی از واژه‌های «شواهد القبور» یا «معالم القبور» استفاده می‌شود (ر.ک؛ آذرنوش، ۱۳۹۱: ۸۲۲) و در زبان فرانسوی از واژه Stele Funirare و در زبان آلمانی از Grab Steine استفاده می‌شود. در هر زبان، اصطلاحاتی را برای فهم بهتر این معانی به کار می‌برند و با توجه به گستره این جستار به بررسی دلایل نامگذاری برخی از اصطلاحات در زبان عربی می‌پردازیم.

### ۵. اصطلاحات به کار رفته در زبان عربی درباره سنگ قبرها

در زبان عربی، به دلیل گستردگی گویش‌های متفاوت اصطلاحات زیادی را برای نامگذاری یک شیء یا یک اثر به کار می‌گیرند و همان گونه که در منابع تاریخی مشخص است، در موضوع این مقاله می‌توان اصطلاحات فراوانی را یافت که به چند مورد از این گوناگونی‌ها در کشور مراکش و الجزایر اشاره می‌کنیم. اهالی مراکش از سنگ قبر به نام‌های «الشاهد»، «الروؤسیة»، «الجنایة»، «المقبرية» و «التأریخ» یاد می‌کنند. این کلمات دلایلی برای اسم‌گذاری دارند؛ به عنوان مثال، مواقعی از «الروؤسیة» استفاده می‌کنند که سنگ قبر بالای سر قبر قرار دارد و اطلاعات شخص متوفی بر آن

موجود است. به سنگ قبرهایی «الجنابیه» اطلاق می‌شود که سنگی از جنس مرمر<sup>۲</sup> یا تکه‌چوبی که به شکل منشور سه‌ضلعی روی محل دفن یا کنار آن قرار گرفته‌است و شامل اطلاعات مختلف متوفی می‌باشد. در کشور عمان به این نوع سنگ قبر، «تاریخ» می‌گویند و از «مقبریه» به دلیل اشتقاق از قبر استفاده می‌کنند و در کشور الجزایر، سنگ قبرها مستطیل شکل و از نوع «الروؤسیه» هستند. با وجود گستردگی آرا و نظریات میان مردمان جهان و افراد مختلف، دیدگاه‌های متفاوتی در این زمینه وجود دارد که در این جستار سعی می‌شود به گوشه‌ای از این نظریات رجوع گردد (Diamond, 2010: 78).

### ۶ دیدگاه برخی از مورخان، محققان و بزرگان مسلمان درباره سنگ قبر

در طول تاریخ، مورخان در موارد مختلف نظرهای متفاوتی را ارائه کرده‌اند و تاکنون باقی مانده‌است. همچنین، محققان با ارائه نظر درباره پدیده‌های گوناگون باعث شده تا پرنده تفکرات انسان به سوی پیگیری این نظرها به پرواز درآید. نظراتی که درباره سنگ قبرها ارائه شده‌است، می‌تواند نقطه‌ای برای فهم درست عقاید مردم باشد. یکی از محققان در این زمینه اشاره‌ای به استفاده از آیات قرآن بر سنگ قبرها کرده‌است و به‌رغم مکروه و ناپسند بودن نوشتن آیات قرآن کریم بر دیوارهای منازل، بناها و مساجد به دلیل دور ماندن از نجاسات یا بی‌احترامی نکردن به آن‌ها، در بعضی از مکان‌ها مشاهده می‌شود که افراد برای دور ماندن قبرهای متوفیان خود از اذیت دیگران و مصونیت از خراب شدن در جنگ‌ها آیاتی از قرآن را روی سنگ قبرها می‌نوشتند و یا حجاری می‌کردند. (ر.ک؛ رزق، ۲۰۰۳: ۱۷۳ و ابراهیم الفقیه، ۱۹۹۲: ۱۱).

همچنین، سجستانی در کتاب *المراسیل* درباره دفن ابراهیم فرزند پیامبر اسلام به دست خود آن حضرت می‌نویسد: «پیامبر خدا<sup>(ص)</sup> روی قبر ابراهیم مقداری آب پاشیدند و هنگام دور شدن از قبر فرمودند: سلام خدا بر تو باد» (فقیه، ۱۹۹۲: ۱۱-۱۲ و نمیری، ۱۴۱۰ ق: ۹۹).

از بیان این دو دیدگاه به این نتیجه می‌رسیم که نوشتن آیات قرآن و امثال آن راهی برای نجات از عذاب نیست، بلکه عمل انسان است که باعث آرامش او می‌شود. مستحب است بالای قبر علامتی از سنگ یا چوب قرار گیرد تا مانع اشتباه در شناسایی قبور مختلف شود. پیامبر<sup>(ص)</sup> هنگام دفن یکی از اصحاب خود به نام عثمان بن مظعون<sup>۳</sup> در

بالای قبر ایشان سنگی را قرار دادند تا این قبر را برای زیارت مجدد بشناسند. سنگ قبرهایی مشاهده شده‌است که دو شاخصه برای جلوگیری از اشتباه در شناسایی داشته‌اند که یکی در بالای سر قبر و دیگری در پایین‌ترین قسمت قبر قرار داده شده‌است. بررسی نظریات افراد مختلف می‌تواند به اعتقاد آن‌ها درباره نوشتن روی سنگ قبرها پی برد که در مذاهب مختلف بزرگان هر مذهب، عقیده خاص خود را دارند. این عرفه به حاکم زمان خویش می‌گوید: «با وجود احادیث مبتنی بر منع نوشتار روی بناها و قبور، مسلمانان در شرق و غرب عالم بر قبور خود نوشته‌هایی را استفاده می‌کنند» (المالکی، ۲۰۱۰م، ج ۲: ۲۴۶).

بغوی شرح السنه نویسنده این کتاب اشاره‌ای به دیدگاه‌های مختلف افراد می‌کند و می‌نویسد: «همانا خداوند بلندمرتبه محمد (ص) را از میان ما برگزید و معاونانی را برای پیامبر قرار داد. پس مؤمنان هر آنچه را که خوب دیدند، نزد خدا هم خوب و نیکو یافتند و آنچه را در نزد خود زشت و ناپسند دیدند، در نزد دین خدا هم ناپسند یافتند» (البغوی، ۱۹۸۳م، ج ۲: ۲۱۵).

با بررسی این سخنان و با توجه به استناد صحت مقبول عموم نسبت به کتاب دیگر، مشخصات و نوشته‌های اجمالی که روی سنگ قبرها موجود هست، نباید مورد اختلاف نظر واقع شود. با مطالعه آیاتی از قرآن کریم و برخورد به آیه‌ای از سوره نور که خداوند متعال می‌فرماید: «در خانه‌هایی خدا اجازه داده که در آنجا رفعت یابد و در آن به ذکر خدا پرداخته شود و صبح و شام تنزیه ذات پاک او کنند» (النور / ۳۶). پروردگار متعال در این آیه شریفه اجازه ساخت خانه‌های باشکوه را به ما عطا کرده‌است و ساخت خانه و مکانی برای آرامش در تمام جنبه‌های زندگی بشر صدق می‌کند؛ چه در دوران زندگی و چه دوران مرگ. با نظری بر کتاب صحیح بخاری<sup>۴</sup> در همین راستا به برتری کتاب شرح السنه پی می‌بریم، اگر عملی را علمای دین در آن اتفاق نظر دارند، ولی اکنون مقبول عموم افراد جامعه است، در آن اختلاف نظر جایز نیست؛ چراکه اگر تعارضی با احکام الهی داشت، ائمه دین و علمای قرون اول ظهور اسلام با آن به مخالفت می‌پرداختند و این می‌تواند دلیلی برای خاتمه اختلافات در تمام فرق اسلامی باشد. دیدگاه‌های متفاوت به دفعات زیاد در عرصه‌های گوناگون خودنمایی می‌کنند و می‌توان آن را حتی در اشکال

مختلف سنگ قبرها هم مشاهده کرد (ر.ک؛ سید سابق، ۱۹۹۷م: ۳۶۲؛ بخاری، ۱۴۲۲ق: ۹۸؛ غلامی، ۱۳۷۶: ۷۶ و جزیری، ۲۰۰۳م، ج ۱: ۴۸۷).

## ۷. اشکال سنگ قبرها در دو دوره

در هر جامعه‌ای، افراد به تناسب موقعیت اجتماعی و التزام به عقاید خود سنگ قبرهایی را با اشکال مختلف انتخاب می‌کند که تفاوت‌های زیادی را شاهد هستیم. اثرهای هنری باقی‌مانده از دو دوره ایوبیان و ممالیک به ما نشان می‌دهد که مصریان از معابد و مجسمه‌های بزرگ برای خلق آثار هنری استفاده می‌کنند و خانه‌هایشان را با استفاده از اشکال هندسی بنا می‌کنند. تأثیرات اشکال هندسی را می‌توان در بنای سنگ قبرهایشان دید. در دوره ایوبیان، سنگ قبر بر اساس مرور زمان شکل‌های مختلفی به خود گرفت. ابتدا سنگ قبرها به صورت جسم ستون‌مانند بود که از سنگ تشکیل می‌شد. پس از آن، سنگ قبر مستطیل‌شکل شد و ارتفاع کمتری به خود گرفت. سپس سنگ قبر مربع‌شکل شد. با نزدیک شدن به تاریخ‌های فوت حاکمان آن دوره، سنگ قبرها حالت محراب‌گونه<sup>۵</sup> به خود گرفت. در این دوره، استفاده از تابوت‌های چوبی رواج یافت و می‌توان به تابوت صالح نجم‌الدین ایوب در موزه هنرهای اسلامی قاهره<sup>۶</sup> اشاره کرد. در دوره ممالیک نیز همانند دوره ایوبیان از شکل مستطیل بهره می‌بردند که بیشترین میزان استفاده را در میان سایر اشکال دارد و پس از آن مربع مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این دوره، با بهره‌مندی از هنرمندانی از جوامع مختلف شکل سنگ قبر جدیدی پا به عرصه هنر گذاشت که به صورت ستونی از جنس سنگ یا چوب روی زمین بود و به روی آن نوشته‌هایی با استفاده از خطوط مختلف پدید می‌آید. خط از زمان پیدایش خود گوناگونی‌های فراوانی را به خود گرفته‌است و از زمان پیدایش اسلام تا پایان دوره ممالیک، دورانی پر از تغییر را پشت سر خود گذاشته‌است (ر.ک؛ جهینی، ۲۰۰۸م: ۵۲).

## ۸. گوناگونی خط

خط یکی از عناصر مهم در میراث و تاریخ اسلام است و به شکل‌های گوناگون مشاهده می‌شود. بر همین اساس، پادشاهان ایوبی و مملوکی از خط در تمام آثار هنری خود استفاده کرده‌اند و استفاده آنان را در بناهای دینی و اجتماعی و همچنان در زمینه



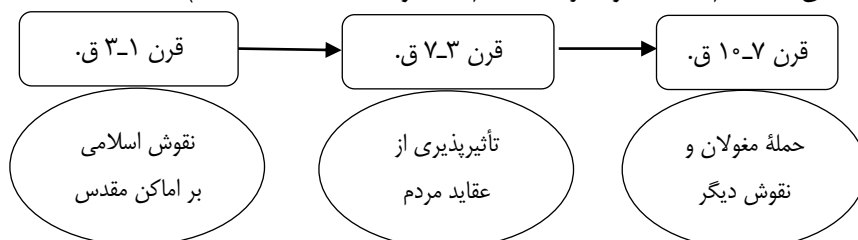
هنرهای تطبیقی از جمله نگارگری‌ها<sup>۷</sup>، چوب‌ها، و سنگ قبرها می‌توان دید. موزه هنرهای اسلامی در قاهره از پربارترین موزه‌هایی است که می‌توان در آن سنگ قبرها، به ویژه سنگ قبرهای اسلامی را مشاهده کرد که با استفاده از این سنگ قبرها می‌توان اُفت و خیز خط را در دوره‌های مختلف مشاهده کرد. با وجود این، اندکی به بررسی خط می‌پردازیم (ر.ک؛ احمد، ۲۰۰۹م: ۲۴۰).

با انتشار و گسترش اسلام در میان ۲۵٪ جمعیت آن عصر، زبان عربی مغلوب شمشیرهای مردم کشورهای مفتوحه نشد و خط عربی روی سنگ قبرها به یکی از فرصت‌هایی تبدیل شد که مسلمانان و غیرمسلمانان آن را در جاودان ساختن یادگیشان و یاد گذشتگان خود استفاده کردند. به‌رغم اینکه سنگ قبر برای ثبت مشخصات متوفی است، ولی مشاهده می‌شود یک هنرمند از آن به گونه‌ای اهمیت می‌دهد که گویا با یک اثر هنری ارزشمند روبه‌روست. این آثار تا پایان دوره ممالیک با خط ثلث<sup>۸</sup> ساده دیده می‌شود که در برخی از آثار به خط کوفی<sup>۹</sup> شباهت دارد. خط کوفی از ابتدای ظهورش تا پایان دوران ممالیک پیشرفت‌هایی داشته‌است و امتیازات هنری خاصی را به دست آورده‌است. این خط، خط برتر در تمام نقاط جهان اسلام در شش قرن پیدایش اسلام بود و از شروع قرن ۶ هجری (۱۲ میلادی) همزمان با پایان حکومت فاطمیان و شروع حکومت ایوبیان، این خط با نام خط ثلث شناخته می‌شود. برخی برای نامگذاری این خط از نسخ<sup>۱۰</sup> هم استفاده می‌کنند که این دو خط تفاوت‌های جزئی را با هم دارند، در خط نسخ حروف را خمیده‌تر و بدون کشیدگی رسم می‌کنند، ولی خط ثلث آرامش و شیوایی و نیز تنوع بیشتری در به‌کارگیری حروف را از خود نشان می‌دهد (ر.ک؛ شیخه، ۱۹۸۴م: ۲۲). با پیشرفت خط، هنرمندان به فکر استفاده از نقوش برای زیباتر ساختن نوشته‌های خود افتادند و آن را در مراحل از هنر خود بروز دادند. (ر.ک؛ جمعه، ۱۹۶۹م: ۷۶؛ سالم، ۱۹۹۹م: ۲۳۵؛ باشا، ۱۹۹۹م: ۱۵۳ و عواجی، ۲۰۰۰م: ۴۲).

## ۹. نقش‌ها

«نقش» در اصطلاح هنری به آثاری اطلاق می‌شود که با آن بتوان به یک جسم بی‌روح جان داد و آن را زنده نشان دهد و این جسم بی‌روح می‌تواند گچ، سنگ و چوب باشد. در تاریخ اسلام، به‌کارگیری نقش‌ها به سه دوره تاریخی تبدیل می‌شود:

دوره ۱) از قرن ۳-۱ هجری (۷-۹ م.) که نقوش بر بناهای مقدس اسلام اثر مهمی گذاشت. در دوره دوم از قرن ۷-۳ هجری (۹-۱۳ م.) که دوره به‌کارگیری نقوش همراه با اثرپذیری از عقاید مردم شخصیت جدیدی به خود گرفت. در دوره سوم که از قرن ۷ تا ۱۰ هجری (۱۳-۱۶ میلادی) جریان داشت، با هم‌زمانی یورش مغولان و مهاجرت افراد به کشورهای اسلامی باعث آن شد که اصطکاک عظیمی بین نقوش اسلامی و سایر فرهنگ‌های آن زمان رخ دهد و در آثار این دوره می‌توان نقوشی را که از فرهنگ یونان و روم وام گرفته شده‌است، مشاهده کرد (ر.ک؛ شیحة، ۱۹۸۸ م.: ۶۳؛ عثمان، ۲۰۰۸ م.: ۸۷؛ یاسین، ۲۰۰۲ م.: ۱۳۹؛ نوصیر، ۱۹۹۶ م.: ۳۷ و ۳۹؛ Rested, 1909).

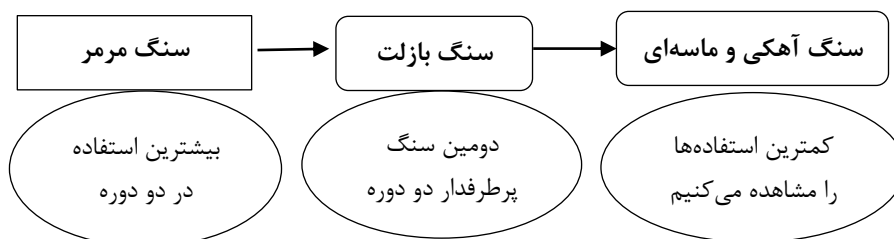


#### جدول ۱: نمودار استفاده از نقوش در تاریخ اسلام تا پایان حکومت ممالیک

نقوش، دسته‌بندی‌های مختلفی دارد که می‌توان به نقش‌های گیاهی و هندسی اشاره کرد. مقصود از «نقوش گیاهی»، تمام نقش‌ها و نمادی است که بر اساس تمام اجزای گیاه، مانند ساقه، برگ، گل‌ها و میوه‌ها با بهره‌گیری از تخیل افراد صورت گرفته‌است. در نقش‌های هندسی، از اشکال هندسی گوناگون استفاده می‌کردند؛ به طور مثال، از کنار هم قرار دادن مثلث‌ها و ارتباط آن‌ها با خطوطی که از رشته‌های حصیر بافته شده، الهام گرفته شده‌است. گاهی افراد از این نقش‌ها برای معرفی شغل فرد متوفی به دیگران بهره می‌بردند و از اشکالی استفاده می‌کردند که به شغل فرد مربوط بود. در آغاز دوره اسلامی، معماران مسلمان با استفاده از نقش‌های گیاهی به بناهای موجود زینت می‌داد، ولی اهمیت این امر در دوران حکومت ممالیک بیشتر شد و نقوش را با انسجام بیشتری روی بناها رسم می‌کردند (ر.ک؛ وزیری، ۱۹۹۹ م.: ۵۳).

به‌کارگیری نوشته‌ها و نقش‌ها روی بناهای اسلامی با استفاده از حفاری‌ها و کنده‌کاری‌های سطحی با عمق کم یا زیاد صورت می‌گیرد. در ابتدا این حفاری‌ها با استفاده از شاخه محکمی از درخت نخل که در زبان محلی به «بوص» یا «جرید» معروف

بود، استفاده می‌شد. پس از آن، در زمان روی کار آمدن متوکل عباسی<sup>۱۱</sup> در قرن سوم هجری (هفتم میلادی) با ورود آهن به عرصه هنر، این حفاری‌ها با استفاده از میله‌های مختلف آهنی که فرد هنرمند اندازه‌اش را به تناسب نقش مورد نظر خود انتخاب می‌کرد و با کوبیدن سنگ روی آن، این نقش‌ها را در محل مورد نظر ایجاد می‌کرد و آنگاه با ابزارهای دیگر سختی‌ها و ناخوانی‌ها را برطرف می‌کرد تا نقش منظمی را بر جای گذارد. از این دوره، نقش نگاری روی سنگ قبرها در آن زمان به اوج خود رسید و برای نقش‌نگاری‌ها تعاریف و قوانینی وضع شد که آن‌ها را از حالت غیرمنسجم خود خارج کرده، به سوی نظام‌مند شدن سوق داده‌است، به این گونه نگارگری‌ها (Epigraphy)<sup>۱۲</sup> گفته می‌شود. این نقش و نگارهایی که روی سنگ قبرها وضع شده، مشکلاتی داشت؛ چراکه در آن زمان از سنگ‌های مختلف برای قرار دادن روی قبر استفاده می‌کردند که می‌توان سنگ‌های مرمر، سنگ آهک<sup>۱۳</sup>، سنگ ماسه‌ای<sup>۱۴</sup> و سنگ بازلت<sup>۱۵</sup> نام برد که میزان استفاده آن‌ها را در جدول زیر (جدول ۲) مشاهده می‌کنیم:



جدول ۲: میزان استفاده از سنگ‌های معدنی در ساخت سنگ قبرها

سنگ مرمر به دلیل استحکام بالای خود و وجود منابع فراوان در اطراف مصر و نیز داشتن سطح صیقلی و براق، پاکیزگی آسان و داشتن رنگ طبیعی، پُراستفاده‌ترین سنگ بود و از آن استفاده‌های فراوانی می‌شد. سنگ بازالت به دلیل استحکام و وجود منابع کافی در آن زمان استفاده‌های فراوانی داشت. دو سنگ آهکی و ماسه‌ای به دلیل نداشتن مقاومت کافی و نگارگری نشدن روی آن‌ها استفاده کمتری داشت. در ضمن می‌توان به عوامل مختلفی مانند فرسایش یا گذشت زمان نام برد که باعث شده از این نوع سنگ‌ها کمتر به عصر حاضر برسد و فقط بتوانیم آن‌ها را در موزه‌ها نظاره‌گر باشیم. در دو دوره، افراد کم‌بضاعت و صاحبان شأن اجتماعی پایین از این دو نوع سنگ استفاده می‌کردند

که قیمت کمتری نسبت به دو نوع دیگر دارد. با دقت بر مضامینی که روی سنگ قبرها استفاده شده‌است، می‌توان پی به جایگاه آن افراد برد (ر.ک؛ شحاتة، ۲۰۰۸م: ۴۷ و عزت‌الشریف، ۲۰۱۶ م: ۱۰۹؛ Carol, 2008: 74 و Luz, 2010: 60).

### ۱۰. مضامین روی سنگ قبرها

مضامینی که روی سنگ قبرها استفاده می‌شد، بیشتر به حقایقی دربارهٔ فرد متوفی در ایام زندگانی فرد بازمی‌گردد. از این مضامین می‌توان به تاریخ فوت، القاب متوفی، بیان نام اجداد آن‌ها، رابطهٔ کاری آن‌ها با زندگی اجتماعی و رفتارهای خود و استفاده از آیات قرآن اشاره کرد. نمونه‌هایی از این مضامین را روی سنگ قبرهای آن دوره را مشاهده می‌کنیم.

### ۱۱. نمونه‌های سنگ قبر

اولین سنگ قبر متعلق به یکی از امیران دورهٔ ایوبی است. این قبر در موزهٔ هنرهای اسلامی قاهره نگهداری می‌شود و با اشکالی همانند برگ‌های سه‌پهلوی و در کناره‌های آن، نقش‌هایی از نخل دیده می‌شود و در ابتدای آن، آیاتی از قرآن کریم آمده‌است.

سطر اول: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ<sup>۱</sup>

سطر دوم: کُلِّ مَنْ عَلٰیهَا فَاَنْ وَ یَبْقٰی<sup>۱</sup>

سطر سوم: وَجْهَ رَبِّکَ ذُو الْجَلَالِ<sup>۱</sup>

سطر چهارم: وَالْاِکْرَامِ (الرَّحْمٰنِ / ۲۷)

سطر پنجم: هَذَا قَبْرُ السُّلْطٰنِ الْاَجْلِ.

سطر ششم: بِهَاءِ الدِّیْنِ عَزَّ الْاِسْلَامَ وَالْمُسْلِمِیْنَ.

سطر هفتم: جَمَالَ السُّلْطٰنِ مَحْبِیِّ الْعَدْلِ.

سطر هشتم: الْعَالَمِیْنَ اَبُو الْفَاضِلِ الْمَالِکِ.

سطر نهم: بِنِ یَحِیِّی بِنِ اَبِی السَّدَادِ الْمَوْفِقِ.

سطر دهم: نَاصِرِ الْاِسْلَامِ رَحْمَةَ الْاَبْرَارِ وَ وِفَاةَ بَمْنَه.

سطر یازدهم: تَوْفِی یَوْمَ الْخَمِیْسِ.

سطر دوازدهم: الْخَامِسِ وَ عَشْرِیْنَ مِنْ شَهْرِ رَجَبِ سَنَةِ.

سطر سیزدهم: سبع و ستین و خمس مائة.

با توجه به نمونه سنگ قبر بالا، علاوه بر مضامین ذکرشده، برای نشان دادن طبقه اجتماعی متوفی و متمایز کردن آن از بقیه افراد از القاب متعددی استفاده کرده‌اند. در نمونه دوم، سنگ قبری را از امیران دوره مملوک‌ها مشاهده می‌کنیم که این نوشته‌ها روی سنگ مرمر به چشم می‌خورد.

سطر اول: بسم الله الرحمن الرحيم.

سطر دوم: كل من عليها فان و يبقى وجه

سطر سوم: ربك ذوالجلال والإكرام

سطر چهارم: هذا ضريح العبد الفقير إلى الله تعالى

سطر پنجم: السعيد الشهيد الملك الظاهر أبي سعيد

سطر ششم: برقوق قدس الله روحه و نور ضريحه بمحمد و آله

سطر هفتم: امر بوصية منه توفى إلى رحمة الله تعالى قبل أذان

سطر هشتم: الفجر صبحة يوم الجمعة الخامس عشر من شوال سنة احدى

سطر نهم: و ثمان مائة هجرية أحسن الله تعالى ختامها في خير بمحمد و آله

سطر دهم: و دفن بعد صلاة الجمعة من يومه بحضور الجمع الغفير من المسلمين و أئمتهم

سطر دوازدهم: و كان يوماً مشهوداً جعل الله قبره روضة من رياض الجنة بمحمد و آله أمين

سطر دوازدهم: و صلى الله على سيدنا محمد و آله و صحبه و ذريته و تابعيه إلى يوم الدين و سلم أمين.

به کارگیری جمله‌ای مانند «فقیر إلى الله» نشان‌دهنده تصوف و عرفان فرد بوده‌است. از این سنگ قبر مشخص می‌شود که فرد به شهادت رسیده‌است و در حضور بسیاری از مردمان شهر به همراه بزرگان‌شان مراسم تدفین و خاکسپاری انجام شده‌است و این نشان‌دهنده یک امر مهم است و نشان می‌دهد که امر شهادت در آن دوران اهمیت خاصی داشت. سومین نمونه سنگ قبر متعلق است به یک فرد که در زمان حکومت ایوبیان به قضاوت مشغول بوده‌است و روی سنگ قبر فرد به این اشاره شده‌است: «هذا قبر القاضي الأمين صفی‌الدین ابی محمد عبدالوهاب بن ابی الطاهر إسماعیل بن مظفر

بن الفرات وفاته مشهورة فی شهر ربیع الآخر سنة ست و ثمانین و خمس مائة» (ر.ک؛ عبدالحمید، ۲۰۱۳م.:. ۱۹۹).

روی این سنگ قبر علاوه بر شغل فرد، رابطه خانوادگی آن فرد مشخص شده است. چهارمین نمونه سنگ قبر متعلق است به فردی که در دوران ممالیک عهده‌دار قضاوت میان مسائل مردم بوده است. این نوشته‌ها روی سنگ قبری از جنس بازالت مستطیل شکل یافت شده که میان سطرهای آن را نقش‌های گیاهی پُر کرده است و بسم‌الله الرحمن الرحیم با همان خطی که متن نوشته شده، در بالاترین قسمت سنگ قبر نیز نوشته شده است:

سطر اول: <sup>H</sup> بسم الله الرحمن الرحیم <sup>H</sup>  
 سطر دوم: <sup>H</sup> ألا إن أولياء الله لا خوف عليهم و لا هم يحزنون <sup>H</sup> (یونس / ۶۲).  
 سطر سوم: هذا قبر العبد الفقير إلى  
 سطر چهارم: الله العدل جمال‌الدین  
 سطر پنجم: محمد ابن القاضی العدل  
 سطر ششم: شرف‌الدین محمد ابن الشرابی  
 سطر هفتم: توفی يوم الأربعاء مستهل  
 سطر هشتم: صفر سنة ست و تسعين و ستمائة.

همان گونه که از نمونه مشخص می‌شود، قضاوت از اجداد به فرد رسیده است و در اوایل ماه صفر فوت شده است و ذکر این می‌تواند ریشه در عقاید برخی درباره ماه صفر داشته باشد.

پنجمین نمونه متعلق است به سنگ قبر فردی که متعلق به دوران حکومت ایوبیان است. این سنگ قبر استوانه‌ای شکل و ماده سازنده آن از مرمر است و اکنون در موزه نگهداری می‌شود. خط به کار رفته، خط کوفی است که نقوشی از برگ‌های گیاهان دارد:

سطر اول: <sup>H</sup> بسم الله الرحمن الرحیم <sup>H</sup>  
 سطر دوم: <sup>H</sup> شهد الله أنه لا إله إلا <sup>H</sup>  
 سطر سوم: <sup>H</sup> هو و الملائكة و أولو <sup>H</sup>  
 سطر چهارم: <sup>H</sup> العلم قائماً بالقسط لا <sup>H</sup>  
 سطر پنجم: <sup>H</sup> إله إلا هو العزيز الحكيم <sup>H</sup>

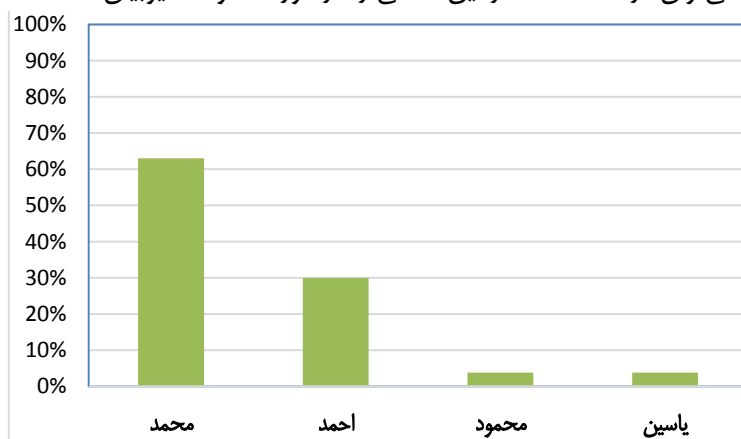
سطر ششم: <sup>H</sup> إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ <sup>H</sup> (آل عمران / ۱۸ و قسمتی از آیه ۱۹).  
سطر هفتم: هذا قبر الرجل الصالح الدین  
سطر هشتم: العفیف المستور الحاج  
سطر نهم: إلى بيت الله الحرام  
سطر دهم: ابراهیم بن عبدالله  
سطر یازدهم: بن رزق الله بن الحرق  
سطر دوازدهم: توفی يوم الأربعاء فی  
سطر سیزدهم: العشر الأخير من شوال  
سطر چهاردهم: سنة ثلث و سبعین و خمس مائة  
سطر پانزدهم: هو يشهد لا إله إلا الله وحده لا  
سطر شانزدهم: شریک له و أن محمداً عبده.

از نوشته‌های به کار رفته می‌توان متوجه شد که جمله‌ای مانند «الحاج إلى بيت الله الحرام» می‌تواند نشانه‌ای از تصوف، مقبولیت، زهد و علم فرد باشد. ششمین و آخرین نمونه، مربوط است به سنگ قبری که از قبرستان اسکندریه<sup>۱۶</sup> مصر یافت شده است و نوشته‌های آن به خط ثلث در شش سطر دیده می‌شود.

سطر اول: <sup>H</sup> بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ <sup>H</sup>  
سطر دوم: <sup>H</sup> كُلَّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ إِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ <sup>H</sup>  
سطر سوم: <sup>H</sup> يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَ أُدْخِلَ الْجَنَّةَ <sup>H</sup>  
سطر چهارم: <sup>H</sup> فَقَدْ فَازَ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ (آل عمران / ۱۸۵).  
سطر پنجم: توفی محمد المدعو بشرف ابن عبدالعزيز بن عبد

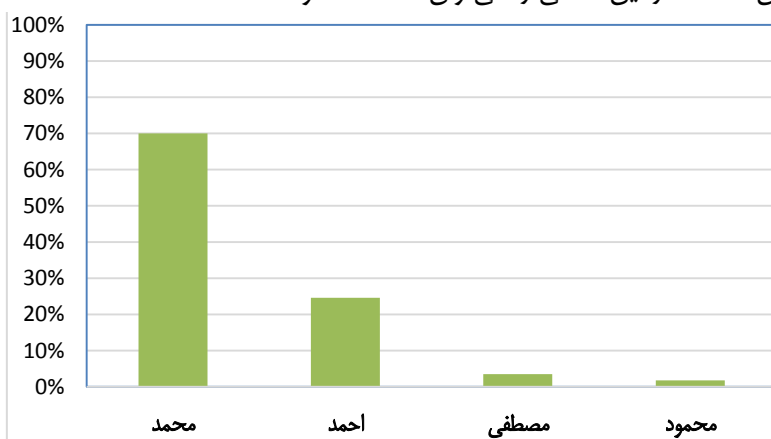
سطر ششم: يوم الأحد سابع شهر شعبان الشریف سنة ثمان و سبعین و سبع مائة.  
با بررسی‌های صورت گرفته و با توجه به وضعیت اجتماعی آن دوره می‌توان به کشف رابطه علت و معلولی پرداخت؛ رابطه‌ای که میزان تأثیر کنش‌های اجتماعی را روی جنبه‌های دیگر زندگی نشان می‌دهد و می‌توان آن را به وضوح مشاهده کرد. در آن دو دوره، به دلیل حکمرانی حاکمان مسلمان و به رسمیت شناختن اسلام به عنوان دین مناطق مورد حکومت خود می‌توان تأثیر آن را در نامگذاری افراد آن عصر مشاهده کرد، در عصر حکومت ایوبیان استفاده از اسم «محمد» برای نامگذاری افراد، بیشترین استفاده

را داشت، سپس، نام «احمد» و پس از آن، نام «محمود» و «یاسین» مشاهده می‌شود. در نمودار ۱ می‌توان درصد استفاده از این اسامی را در دوره حکومت ابوبیان مشاهده کرد.



نمودار ۱: میزان استفاده از اسامی پیامبر اسلام در دوره ابویی

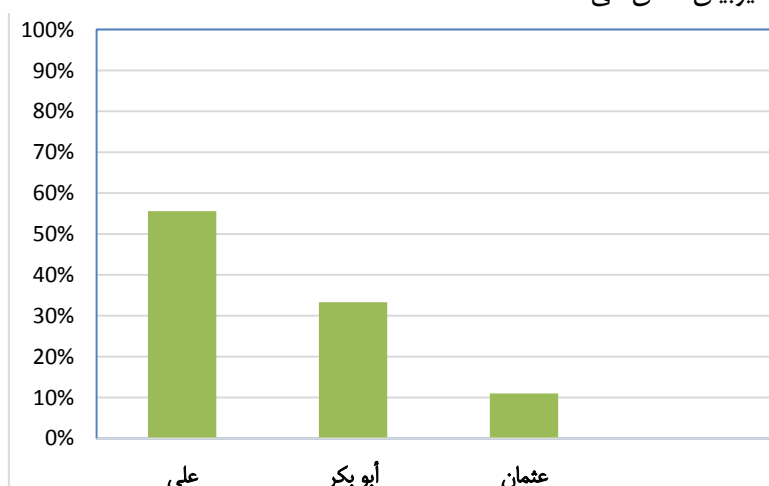
در دوره ممالیک، بیشترین اسامی که از اسامی مبارک پیامبر اسلام گرفته شده، اسم «محمد» بوده است. سپس به ترتیب، «احمد» و «مصطفی» و «محمود» بوده است. در نمودار ۲، میزان استفاده از این اسامی را می‌توان مشاهده نمود.



نمودار ۲: میزان استفاده از اسامی پیامبر اسلام در دوره ممالیک



تفاوت در رسمیت دین در یک فرمانروایی می‌تواند اثر مستقیمی روی اسامی افراد داشته باشد و آن را با یک مشاهده جزئی می‌تواند درک کرد. نامگذاری افراد بر نام‌های خلفای راشدین<sup>۱۷</sup> می‌تواند مثال بارزی برای اثبات این موضوع باشد، به صورتی که بهره‌گیری از اسم حضرت علی<sup>(ع)</sup> در دوره ایوبیان بیش از نام خلفای راشدین کاربرد داشته، ولی این بهره‌گیری در دوره ممالیک کمتر شده‌است و نام سایر خلفای راشدین مورد استفاده بیشتری واقع شده‌است. نمودار ۳ میزان استفاده از اسامی خلفای راشدین را در دوره ایوبیان نشان می‌دهد:



نمودار ۳: میزان بهره‌گیری از اسامی خلفای راشدین در دوره ایوبیان

یکی از دلایل کثرت وجود افراد با نام علی<sup>(ع)</sup> در دوره ایوبیان را می‌توان ریشه در حکومت پیش از ایوبیان یافت که حکومتی را با مذهب تشیع تشکیل داده بودند. افرادی که در دو دوره حکومت فاطمیان و ایوبیان زندگی می‌کردند و در عصر حکومت ایوبیان فوت شدند، در تاریخ فوت آن‌ها می‌توان نام علی را مشاهده کرد. در حکومت ایوبیان، برخی از اسامی استفاده شده درباره مردان بر سیارات و ستارگان دلالت می‌کند و آن‌ها را می‌توان به صورت مشترک در این دوران مشاهده کرد؛ به طور مثال «بدر»، «نجم» و «هلال» را می‌توان مشاهده کرد که بر کثرت دلالت می‌کند؛ مانند: جماعة، صحاب برخی از اسامی بر پیروزی و فتوحات دلالت می‌کند و این یک باور عامیانه است که استفاده از اسامی مثبت و با جنبه پیروزی موجب کسب موفقیت‌های فراوان در زندگی افراد

می‌شود؛ به عنوان مثال «فتوح»، «مظفر»، «ناصر»، «نصر» در باورهای مردمان فرهنگ‌های مختلف و بر اساس تعالیم دینی و مذهبی کودک و فرزند یکی از اسبابی است که باعث خیر و برکت در زندگی افراد می‌شود و آن باعث شده که فرزندان خویش را به نام‌های برکت و رزق و روزی نامگذاری کنند و در میان این اسامی، می‌توان به اسم‌های «رزق‌الله» و «کرم» اشاره کرد. برخی اسامی را بر آثار باقی‌مانده می‌توان مشاهده کرد که اکنون از بین رفته‌است و در آن دوره مورد استفاده بوده‌است. در این زمینه، می‌توان به اسامی «خطلبا»، «دری»، «روح‌المکنا»، «السحنون»، «سنجر»<sup>۱۸</sup> و «طوق» اشاره کرد. اسامی «خطلبا» و «دری» از اسامی فارسی هستند، «طوق» از اسامی ترکیبی است که ریشه در زبان ترکی دارد و «سنجر» از اسامی است که همزمان با حکومت سلجوقیان انتشار یافت. برخی از اسامی بر اساس قواعد زبان عربی و وامگیر از برخی از وزن‌های مشهور در زبان عربی است. در این زمینه، می‌توان به اسم‌هایی که بر صیغۀ مبالغه آمده‌اند، اشاره کرد؛ مثل: «حمید، حمود، منیع، قطام و حسان». برخی از اسامی بر وزن اسم فاعل آمده‌اند؛ مانند: «جابر، واقع، شافع، طاهر، قاسم و ناصر». برخی از اسامی بر وزن اسم مفعول آمده‌است که می‌توان به اسم منصور اشاره کرد. برخی از اسامی بر وزن اسم تفضیل آمده‌است که می‌توان به «اسعد» (بهترین و خجسته‌ترین) و «اعسر» (فرد چپ‌دست) اشاره کرد. اسامی به کار رفته از آلات جنگی، مانند «سیف» (شمشیر) در میان اسم‌های افراد مذکر دیده می‌شود. در اسامی بانوان، اسم‌ها بیشتر به مواردی بازمی‌گردد که در آن می‌توان خضوع و فروتنی را نسبت به خدا یافت؛ مانند: «امت‌المنة». اسامی در میان بانوان دو صورت دیگر هم دارد: یکی از آن‌ها به بزرگی، عظمت و نافذ بودن بازمی‌گردد؛ مانند «ست‌الملوک»، و دیگری به اسامی که به سنگ‌های بالارزش اطلاق می‌شود؛ مانند: «زمرد».

در بررسی انجام‌شده میان اسامی زنان و مردان در دورۀ ایوبیان می‌توان به این دست یافت که پسران را ابزاری برای کسب موفقیت و پیروزی و نیز مایه بزرگداشت یک جامعه می‌دانستند و از آن به عنوان ادامه‌دهنده راه خود با بهترین صفات یاد می‌کردند و آن‌ها را از ابتدا با امور جنگ و زعامت آشنا می‌کردند. دختران را همچون گوهر

گرانسنگی یاد می‌کردند که حفاظت از آن واجب بود و آن را صاحب جایگاه پاک و مطهر می‌دانستند.

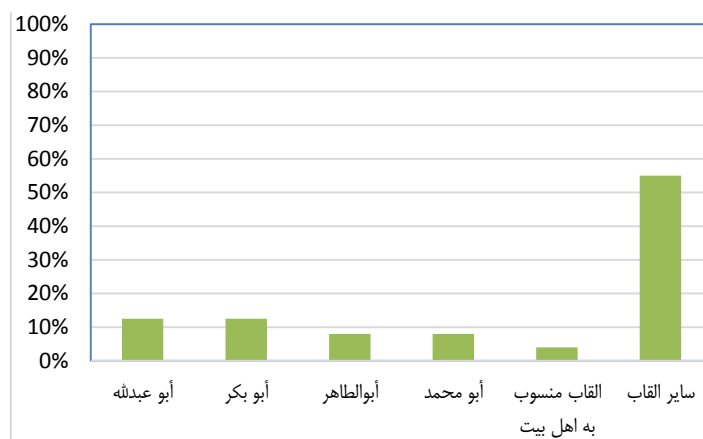
اسامی در دوره ایوبی به قسمت‌هایی تقسیم می‌شد که در اسامی مردان آن دوره همانند دوره حکومت ایوبیان از ستارگان و سیارات استفاده می‌کردند. در این دوره، اسامی منسوب به مشاهیر آن دوره و مشاهیر گذشتگان استفاده می‌کردند؛ مانند: «مروان، معاویة و الولید». استفاده از ماه‌های مشهور سال قمری به عنوان اسم روی افراد دلیلی بود که ماه تولد شخص را به همگان گوشزد می‌کرد؛ مانند «شعبان». در این دوره، به‌کارگیری اسامی رنگ‌ها روی افراد دیده می‌شود؛ مانند: خضر، خضراء. اسامی مورد استفاده بر اساس اوزان عربی در این دوره هم بهره خود را داشت و مانند دوره حکومت ایوبیان از اسم فاعل، مانند «حاتم، طاهر، فاتح و ناصر» و اسم مفعول، مانند «منصور» استفاده کرده‌اند. دوره حکومت ممالیک دوره‌ای است که ارتباطات فرهنگی زیادی را با سایر جوامع می‌توان دید و تأثیرهای آن را روی اسامی افراد سهم داشته‌است. برخی از اسامی فارسی نیز مشاهده می‌شود که برخی از آن‌ها تاکنون روی افراد دیده می‌شود؛ مانند: «ارسلان، جام، بکتمر، بلبان». همچنین، اسامی ترکی استفاده‌شده در این دوره جلوه‌ای ویژه دارند؛ مانند: «أیدیکن، أغلمش و یشبک فاتیح (فاتح) که دلیل کثرت اسامی ترکی در این دوره به دلیل اسامی پادشاهان سلجوقی و القاب شاهان مملوک می‌باشد. اسامی بانوان در این دوره برگرفته از فروتنی و نیاز به درگاه الهی‌است؛ مانند: «برکة» و «صالحة». اسامی که اشاره به بزرگی و عظمت دارد، در این دوره استفاده می‌شد و می‌توان به عنوان نمونه به «ست البهاء» اشاره کرد. در برخی از موقعیت‌ها صفت‌های مختلف در این دوره جایگزین اسامی دختران شده‌است؛ مانند: «زهرة، سعاد و فرحة»؛ استفاده از اسامی یاران پیامبر<sup>(ص)</sup> و اهل بیت مبارک و همسران آن حضرت در برخی از سنگ قبرها به چشم می‌خورد؛ مانند: «حفصة، خدیجة، زینب، فاطمة و عائشة». اسم‌های زنانی که ریشه ایرانی دارند، در میان اسامی منحوت روی سنگ قبرها دیده می‌شود که می‌توان از میان آن‌ها به «أصلا خاتون»، «دنیا خاتون» و «ملکه خاتون» اشاره کرد.

بررسی میان اسامی زنان و مردان در دوره ممالیک روشن می‌سازد اسامی پسران از جنبه‌هایی برخوردار بوده‌است که بیشتر به ارتباط فرزند پسر خود به جامعه و تلاش برای

کسب اموری بوده که در آن زمان دلایل اصلی برای بقا در جامعه بود. در میان اسامی زنان نیز اسم‌هایی به چشم می‌خورد که بیشتر از جنبه‌های شادی‌بخشی و آرامش در آن‌ها به کار رفته‌است و سعی شده از صفات نیکو و برتر برای نامگذاری دختران خود استفاده کنند.

با مقایسه اسامی در دوره ایوبیان و ممالیک می‌توان پی به تفاوت‌ها و اشتراکات وضعیت اجتماعی در آن دو دوره پرداخت؛ چنان که در دوره ایوبیان، بنا بر جنگ‌های زیاد و درگیری‌هایی که دولت ایوبیان با سایر حکومت‌ها داشته‌است، می‌توان نام‌هایی را دید که بر پیروزی و فتح و یا حتی ابزار جنگی دلالت می‌کند، ولی در دوره ممالیک، با آرامش اوضاع و توجه بیشتر مردم به مسائل معنوی و روحانی و فرصت ایجاد رابطه مثبت میان فرهنگ‌ها باعث شده‌است که میزان استفاده از اسامی غیرعربی بیشتر شود (ر.ک؛ سامح، ۱۹۹۱م: ۲۰۷).

در بررسی القاب در دوره ایوبیان، می‌توان دید که افراد علاوه بر انتخاب اسامی پیامبر بر اسامی خود از القاب (و کنیه‌های) پیامبر برای القاب خود استفاده می‌کردند (مانند ابواسحاق). برخی از القاب برگرفته از اسامی خلفای راشدین است (مانند: ابوعلی و ابوبکر). در مشاهده القاب مشاهده می‌شود که افراد با استفاده از کلمه «أب» و اضافه کردن نام یا صفت، لقب خود را به وجود می‌آوردند. این ترکیب در زمینه‌های گوناگون مشاهده می‌شود (مثل ترکیب کلمه «أب» با یکی از اسامی مبارک خداوند). در این زمینه، می‌توان به «ابوعبدالله» اشاره کرد. در این میان، ترکیب کلمه «أب» با نام یا لقب یکی از افراد اهل بیت پیامبر مشاهده می‌شود؛ مانند: ابوالحسن و ابوطالب. ترکیب کلمه «أب» با اسم شخص که معنای صفتی دارد، می‌تواند نشان‌دهنده یکی از ویژگی‌های فرد، شغل فرد یا مهارت فرد باشد؛ مانند: أبوالطاهر، أبو المحاسن و أبوالفوارس. ترکیب کلمه «أب» و نام یک مکان تعلق فرد به مکانی را مشخص می‌سازد (مانند: أبوحرمی) و ترکیب کلمه «أب» با یکی از فصل‌های سال می‌تواند فصل تولد آن فرد را مشخص سازد (مانند: ابوالربیع). در این دوره، القابی مشاهده می‌شود که مرکب از کلمه «إبن» و اسم شغلی است و ارتباط فرد را با آن امور مشخص می‌سازد (مانند: ابن‌الخولی: محافظ باغ).



نمودار ۴: میزان بهره افراد از القاب مختلف در دوره ابویوبان

لقب در دوره ابویوبان جنبه دینی داشت و از آن به عنوان ارتباط فرد با محیط اطراف استفاده می‌شد. چنان‌که مشخص می‌شود، وجود القاب متعدد دینی پیش از سلسله ابویوبان و ادامه آن‌ها در این دوران نتیجه شرایط سیاسی، جنگی و دینی است که برای اولین بار در این دوران دیده می‌شود. القابی که به آن دین یا دنیا وارد شده، دلالت بر شجاعت و قدرت فرد داشته‌است؛ مثلاً: أسدالدین، سیف‌الدین، سیف‌الدین والدین و نصیرالدین. برخی از این القاب جنبه دینی و به تقوای فرد دلالت دارد؛ مانند: رضی‌الدین، ناصرالدین و معین‌الدین. استفاده در نشان دادن شرف و بزرگی فرد مشخص می‌باشد؛ مانند: شرف‌الدین، جمال‌الدین و فخرالحق والدین. در بررسی القاب سلاطین و پادشاهان دوره ابویوبی می‌توان به القابی اشاره کرد که نفوذ و مرتبه پادشاهان را مشخص می‌کرد؛ از جمله آن‌ها می‌توان به «سلطان‌الإسلام والمسلمین، سید الملوک والسلاطین و وارث الملك عن أبائه الأکرمین» اشاره کرد. برخی از شاهان ابویوبی از القابی استفاده می‌کردند که به جنگ و جهاد در راه خدا اشاره داشت و از این می‌توان نتیجه گرفت که این پادشاه جنگ‌هایی را برای گسترش اسلام در زمان حکومت خود داشته‌است. نمونه‌ای از این القاب را می‌توان «علم‌المجاهدین» و «سید ملوک‌المجاهدین» را نام برد. برخی از القاب پادشاهان را علاوه بر روی سنگ قبر آن‌ها، می‌توان روی سکه‌هایی که در زمان حکومت خود رواج داشته‌اند، به صورت مشترک مشاهده کرد. القاب دینی در میان سنگ

قبرهای زنان بر جایگاه زن در قوانین و احکام الهی دلالت دارد که القابی همچون «الحرّة، الزکیة، السیدة، الشهیدة، الفاضلة و والده» از آن جمله‌اند. القابی که جنبه دینی دارند و آن‌ها را در دوره ممالیک برای پادشاهان به کار برده‌اند، به بزرگی پادشاه اشاره داشت؛ مانند: شرف‌الإسلام و سلطان‌الإسلام القاب به کار رفته در میان اهل علم در دوره ممالیک به جایگاه آنان اشاره دارد؛ مانند: فریدالعصر، طلبة العلم و المتصدرین. القاب به کار رفته در میان زنان، همانند دوره ایوبیان که گفته شد، اشاره به مکان زن در اسلام دارد؛ مانند: الجلیلة، ریحانة الجنة، الدرّة المکونة، زهرة و المصونة (ر.ک؛ عبدالعظیم، ۲۰۰۹م: ۴۹).

از لقب‌های مختلف نیز مشخص می‌شود که افراد با جنسیت‌های مختلف و با دلایلی نظیر جنگ، علم و هنر از کشورها و شهرهای خود به مصر مهاجرت کرده، در آنجا به زندگی پرداخته، سپس در همان جا وفات یافته‌اند و دفن شده‌اند که برخی از آن‌ها از ایران بوده‌اند؛ مانند: الفارسی، برخی از شام (سوریه) مانند: الدمشقی، و برخی نیز از حجاز بوده‌اند؛ مانند: المکی و المدنی. در بررسی القاب دوره ممالیک، تفاوت چندانی در به‌کارگیری القاب با دوره ایوبیان مشاهده نمی‌شود، جز در مواردی مانند به‌کارگیری القاب نظامی برای اشاره به شجاعت و قدرت فرد؛ مانند: صارم‌الدین و استفاده از کلمه دین و دنیا برای القابی که در زمینه‌های مدنی و فرهنگی به کار می‌رفت؛ مانند صفی‌الدین. در بررسی نام‌های خانوادگی افراد در دوره ایوبیان می‌توان به مواردی اشاره کرد که افراد وابستگی‌هایی به آن جنبه‌ها داشته‌اند؛ مثلاً نام‌های خانوادگی که رابطه‌ای داشته‌اند، با قبیله افراد مانند: الأسدی، الأنصاری و الخزرجی. نام‌های خانوادگی مشاهده می‌شود که از اسامی اجداد یک فرد یا یک خانواده یا یک طایفه گرفته می‌شود؛ مانند: الحسنی، القیسی و المهرانی. برخی از نام‌های خانوادگی به مکانی بازمی‌گردد؛ مانند «حرمی» و «الرکنی» و برخی به دین‌های مختلف نسبت داده می‌شد؛ مانند: «الإسلامی» و «المسیحی».

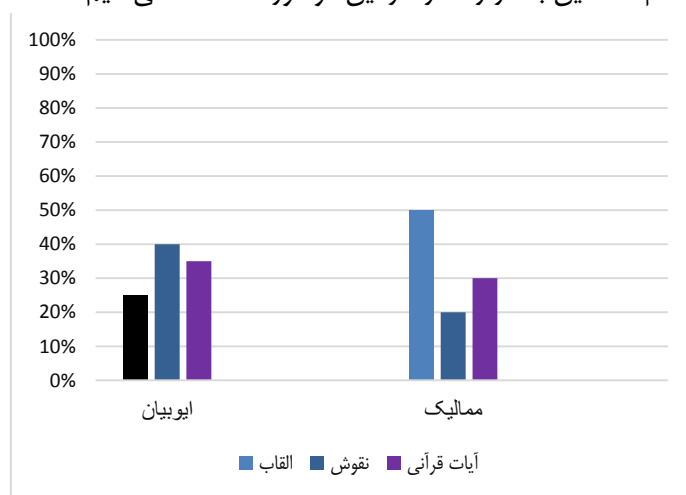
در نام‌های خانوادگی افراد در دوره ممالیک، تعداد نام‌های خانوادگی به این صورت در نسبت افراد به شهر، روستا یا کشور است؛ مانند: الشامیة، العراقی، القرشی، المغربی و النابلسی. رابطه‌ای که نام خانوادگی افراد به قبیله بازمی‌گردد؛ مانند: أشعری و الکنانی. رابطه‌های خانوادگی که نام فردی از اجداد و نیاکان فرد در آن دیده می‌شود؛ مانند:

أحمدی و الصالحی. نام‌های خانوادگی که در آن نام یک مذهب یا یک فرقه به چشم می‌خورد؛ مانند: الشافعی، الصوفی و المولوی. نام‌های خانوادگی که بر شغل و یا حرفه فرد دلالت می‌کند؛ مانند: الخازنداری، الناسخ، النقاش، الواعظ و الخطیبی.

در بررسی نام‌های خانوادگی در دو دوره مورد نظر با توجه به وضعیت اجتماعی و در برآوردهای حاصل از کتاب *حركة الفكرية في مصر في العصرين الأيوبي والمملوكي الأول* به این نتیجه می‌رسیم که وجود مذاهب گوناگون و فرقی مختلف باعث انتشار و بسط استفاده از نام‌های متعدد می‌شود؛ چنان‌که در عصر ممالیک نام‌های خانوادگی بیشتری را شاهدیم (ر.ک: حمزه، ۱۹۹۶م: ۷۶).

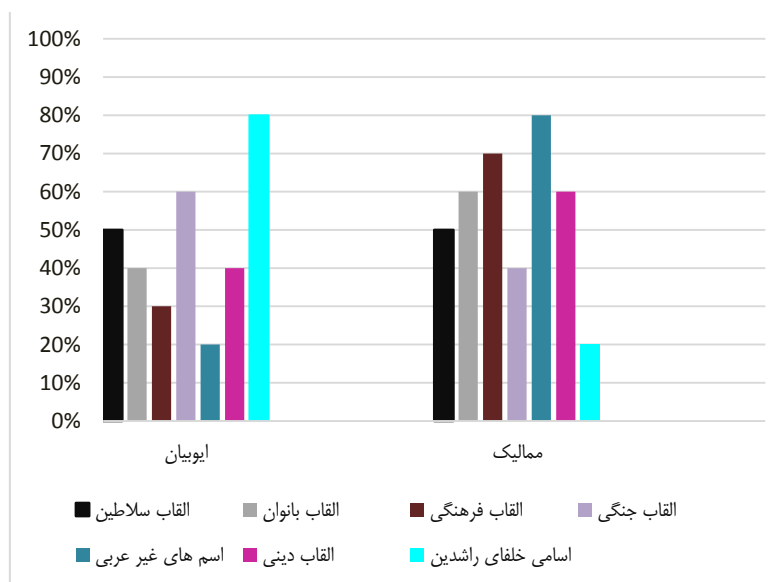
در این دو دوره، شاهد عناصر مشترکی هستیم که از آن‌ها در نوشته‌های خود استفاده می‌کنند؛ مانند درخواست طلب آموزش برای متوفی از رهگذران. ولی یکی از مهم‌ترین موارد این مشترکات، استفاده از آیات قرآنی است که این آیات با تناسب جنبه‌های مختلف فرد به روی سنگ قبر او نگاشته می‌شد. آیات قرآن، به‌ویژه بسمله در سنگ قبرهای دوره ایوبی در بالاترین سطح سنگ قبر مشاهده می‌شدند و گاهی این آیات به همراه نقش و نگارها زینت داده می‌شدند. مضامین آیات قرآن در این دوره بیشتر به پاداش اعمال نیکوی انسان، توصیفات بهشتی، وعده‌های الهی، سرزنش گناهکاران و دوری از بدی‌ها و گناهان بوده‌است. همچنین، آیاتی مشاهده می‌شود که به پایان زندگی همگان با مرگ اشاره می‌کند و بیشترین آیاتی که روی سنگ قبرهای این دوره استفاده شده‌است، عبارتند از آیه ۱۸۵ سوره آل عمران، آیات ۲۱ و ۲۲ سوره نور، آیه ۱۰ سوره فرقان، آیات ۱۹ تا ۲۲ سوره انسان و آیات ۵۰ تا ۵۳ سوره ص. آیه ۱۸۵ سوره آل عمران که خداوند در آن به مرگ همگان اشاره می‌کند و می‌فرماید که زندگی دنیایی فریبنده است و اعمال انسان باعث دوری فرد از جهنم و نزدیکی به بهشت می‌شود. آیات ۲۱ و ۲۲ سوره نور برای هشدار به کسانی است که از شیطان پیروی می‌کنند. در آیه ۱۰ سوره فرقان توصیفات را از بهشت می‌بینیم که در آن به نه‌های جاری و قصرهای بهشتی اشاره شده‌است. در آیات ۱۹-۲۲ سوره انسان از توصیفات بهشتی گفته شده که پاداش کسانی است که کار نیک انجام داده‌اند. آیات ۵۰-۵۳ سوره ص به توصیفات بهشت و به وعده‌ای که همگان در انتظارش بوده‌اند، اشاره شده‌است. در برخی از نوشته‌ها آیاتی دیده می‌شود که به جهاد ارتباط دارند که از جمله می‌توان به آیه ۶۹ سوره عنکبوت و ۷۸

سوره حج اشاره کرد. در بررسی آیات استفاده‌شده در نوشته‌های دوره مملوکی مشاهده می‌شود که در اواخر این حکومت، بسمله دیده نمی‌شود و تنها آیات و کلماتی را از مصحف شریف استفاده نموده‌اند. آیاتی که مورد استفاده این دوره بیشتر به پایان زندگی همگان، شهادت به یگانگی خدا، وعده‌های بهشتی، از بین رفتن همه افراد و باقی ماندن خدا اشاره می‌کند. بیشتر آیات استفاده‌شده در این دوره عبارتند از: آیات ۱۸، ۱۴۵ و ۱۸۵ سوره آل عمران، آیات ۲۶ و ۲۷ سوره الرحمن و آیه ۲۴ سوره احزاب. آیه ۱۸ آل عمران به یکتایی خدا و توانا بودن او شهادت می‌دهد. آیه ۱۴۵ آل عمران اشاره به مرگ هر کس در زمان معین خود و به جزای سپاسگزاران از اوامر الهی اشاره می‌کند. آیات ۲۶ و ۲۷ سوره الرحمن اشاره به فنای همگان و بقای ذات مقدس الهی اشاره می‌شود. آیه ۲۴ سوره احزاب به مهر خداوند و پاداش خوبکاران و جزای منافقان می‌باشد. در ادامه، نموداری از تمام مضامین به کار رفته را در این دو دوره مشاهده می‌کنیم.



نمودار ۵: میزان استفاده از مضامین گوناگون در تشکیل نوشته‌های سنگ قبرها در دو دوره





نمودار ۶: میزان استفاده از القاب و اسامی مختلف در دو دوره

### ۱۱. نتیجه‌گیری

با بررسی‌های انجام‌شده می‌توان نتایج زیر را پیرامون فرهنگ، هنر و نوشته‌های روی سنگ قبرها در دو دوره ایوبی و مملوکی به دست آورد:

- ۱- زندگی پس از مرگ در دو دوره اهمیت ویژه‌ای دارد.
- ۲- مضامین هر دوره تحت تأثیر شرایط حاکم بر آن دوره شکل می‌پذیرد.
- ۳- افراد برای دوره ایوبی از وظیفه و مهارت خود لقب اختیار می‌کردند.
- ۴- مضامین درباره علم و فرهنگ در دوره ممالیک انتشار بیشتری نسبت به ایوبیان داشته‌است.
- ۵- واژه «شهید» و مترادفات آن را می‌توان در دوره ایوبیان بیشتر مشاهده کرد.
- ۶- وجود فرقه‌های دینی بیشتر در دوره ممالیک باعث استفاده بیشتر افراد از نام‌های خانوادگی با جنبه دینی شده‌است.
- ۷- جهاد در راه خدا و کشته شدن در این راه را یکی از عوامل تعدد آیات قرآنی پیرامون موضوع جهاد بر سنگ قبرهای دوره ایوبیان دانست.

- ۸- گسترش روابط خارجی حکومت‌ها باعث پدید آمدن الفاظ و ترکیب‌های بیشتری می‌شود.
- ۹- وجود اسامی ایرانی و ترکی نشان از برقراری رابطه فرهنگی مثبت حکومت ممالیک با فرهنگ‌های دیگر است.
- ۱۰- مهاجرت افراد از کشورهای خود به سایر کشورها باعث گسترش هنر آن تمدن در مکان دیگر می‌شود.
- ۱۱- دوره ایوبیان همواره با جنگ و بی‌توجهی به مسائل فرهنگی همراه بوده‌است، ولی دوره ممالیک فرهنگ و هنر جایگاه بهتری نسبت به دوره ایوبیان داشته‌است.
- ۱۲- دید نسبت به زنان در هر دو دوره، مثبت و روحانی بوده‌است.
- ۱۳- افراد غیربومی نام شهر اولیه خود را به عنوان لقب انتخاب می‌کردند.

## ۱۲. بی‌نوشت‌ها:

- ۱- انسان‌شناسی یا آنترپولوژی (Anthropology) بخشی از علوم اجتماعی است و علم گسترده درباره توضیح ابعاد وجودی انسان در حوزه گسترده‌ای از فرهنگ تا تاریخ تکامل انسان را در بر می‌گیرد.
- ۲- سنگ مرمر (حجر الرّخام) از سنگ‌های دگرگونی است که از دگرگونی سنگ آهک به وجود آمده‌است و کانی اصلی تشکیل‌دهنده آن، کلسیت می‌باشد.
- ۳- عثمان بن مظعون متولد قرن سوم هجری عثمان بن مظعون یکی از اصحاب پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> و فردی عابد و زاهد بود.
- ۴- یکی از معتبرترین کتاب‌های حدیث نزد اهل سنت است که به وسیله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن بردزبه بخاری (۱۹۴-۲۵۶ ق.) نوشته شده‌است.
- ۵- گونه‌ای از سنگ قبر که بالای آن نیم‌دایره و از پایین به شکل مستطیل است.
- ۶- موزه هنر اسلامی در قاهره مصر، محل نگهداری بزرگترین مجموعه از هنرهای اسلامی در جهان است. مجموعه‌ای استثنائی و نادر از آثار باستانی چوبی و گچی و نیز اشیاء ساخته‌شده از فلز، سرامیک، شیشه، کریستال از همه دوره‌های تاریخی در سراسر جهان اسلام می‌باشد.

۷- نگارگری فرایندی است که در آن، رنگ یا نقش روی یک سطح ایجاد موجودیت می‌کند. نگارگری یکی از رشته‌های اصلی هنر تجسمی و قدمت آن شش برابر زبان نوشتاری است.

۸- خط ثلث یکی از شیوه‌های مهم در خوشنویسی اسلامی و یکی از خطوط شش‌گانه است و ابداع آن در قرن سوم هجری به چشم می‌خورد.

۹- خط کوفی یکی از خطوط اسلامی و منسوب به شهر کوفه است و گفته می‌شود در آنجا شکل گرفته است. از قرن سوم هجری با فراگیری خط ثلث و نسخ، خط کوفی کمتر استفاده شد تا اینکه در قرن پنجم هجری تقریباً منار گذاشته شد و تنها جنبه زینتی یافت.

۱۰- خط نسخ در قرن سوم هجری ابداع شد و نسخ، یعنی نسخه‌برداری و این خط اولین خطی بود که برای تکمیل نواقص و اشتباهات خط کوفی و اضافه کردن اعراب به وجود آمد.

۱۱- دهمین خلیفه از خلفای عباسی است که در سال‌های (۲۰۶- ۲۴۷ق.) در سامرا حکمرانی کرد.

۱۲- Epigraphy یا سنگ‌نبشته و یا کتیبه به تخته‌سنگ کاشی یا سطح دیگری گفته می‌شود که واقعه تاریخی بر آن کنده‌کاری یا نوشته شده باشد.

۱۳- سنگ رسوبی با منشاء شیمیایی که بیشتر از کلسیم کربنات تشکیل شده است.

۱۴- نوعی سنگ رسوبی که عمدتاً از ذرات گرد ماسه ایو کانی‌های مختلف تشکیل شده است.

۱۵- فراوان‌ترین نوع از سنگ‌های آذرین و سنگی محکم و سیاه‌رنگ است.

۱۶- شهر بندری مهم و دومین شهر بزرگ مصر است.

۱۷- خلفای راشدین اصطلاحی است که از سوی پیروان اهل تسنن در اشاره به چهار شخصی است که پس از پیامبر<sup>(ص)</sup> به خلافت رسیدند. این چهار تن عبارتند از: ابوبکر، عمر، عثمان و علی<sup>(ع)</sup>.

۱۸- فرزند سلطان ملک‌شاه سلجوقی بود که به مدت ۱۵ سال بر ولایات شرقی امپراطوری سلجوقی حکومت کرد (سنجر به زبان ترکی به معنای «رخنه‌گر» است).

### ١٣. منابع و مأخذ

#### قرآن کریم

- آذرنوش، آذرتاش. (١٣٩١). *فرهنگ معاصر عربی-فارسی*. ج ١٦. تهران: نشر نی.
- ابن خلکان، احمد بن محمد. (١٣٨١). *منظر الإنسان*. ترجمه و فیات الأعیان و انباء ابناء الزمان ابن خلکان. ترجمه احمد بن محمد بن عثمان بن علی بن احمد سنجرى. ج ١. ارومیه: دانشگاه ارومیه.
- أحمد، أحمد عبدالرزاق. (٢٠٠٩م.). *العمارة الإسلامية فى مصر منذ فتح العربى حتى نهاية العصر المملوكى*. ط ١. القاهرة: دار الفكر العربى.
- أزدى السجستانی، سليمان بن الأشعث. (١٤١٠ق.). *المراسيل*. ط . بيروت: مؤسسة الرسالة.
- باشا، حسن. (١٩٩٢م.). *نشأة الخط العربى*. ط ١. القاهرة: مكتبة الدار العربية للكتاب.
- بخارى الجفعى، محمد بن اسماعيل. (١٤٢٢ق.). *صحیح البخارى*. ط ١. بيروت: دار طوق نجات.
- بوسورت، کلیفورد ادmond. (١٣٧١). *سلسله‌های اسلامى*. ترجمه فریدون بدره‌ای. ج ١. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات (پژوهشگاه).
- جزیری، عبدالرحمن. (٢٠٠٣م.). *الفرق على مذاهب الأربعة*. بيروت: دار الكتب العلمية.
- جمعة، ابراهيم. (١٩٦٩م.). *دراسة فى تطور الكتابات الكوفية على الأحجار فى مصر فى القرون الخمسة الأولى للهجرة*. القاهرة: دار الفكر العربى.
- جهينى، محمد. (٢٠٠٨م.). *أحياء القاهرة القديمة و آثارها الإسلامية (الجودرية، المسطاح، المحمودية)*. ط ١. القاهرة: الأكاديمية الحديثة للكتاب الجامعى.
- حمزة، عبداللطيف. (١٩٦٩م.). *الحركة الفكرية فى مصر فى العصرين الأيوبي و المملوكى الأول*. ط ٨. القاهرة: دار الفكر العربى.
- رزق، عاصم محمد. (٢٠٠٣م.). *أطلس العمارة الإسلامية والقبطية بالقاهرة*. القاهرة: مكتبة مدبولى.
- سالم، عبدالعزيز. (١٩٩٩م.). *الفنون الإسلامية فى العصر الأيوبي*. ج ١. ط ١. القاهرة: مركز الكتاب للنشر.
- سامح، كمال الدين. (١٩٩١م.). *العمارة الإسلامية فى مصر*. ط ٤. القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- سيد، سابق. (١٩٩٧م.). *فقه السنة*. ط ٣. بيروت: دار الكتاب العربى.
- شاکر الحرسى، محمود. (٢٠٠٠م.). *التاريخ الإسلامى*. ج ٧. ط ٤. بی‌جا: المكتب الإسلامى.
- شاندرو، آلبر. (١٣٨١). *صلاح‌الدین ایوبى*. ترجمه محمد قاضى. ج ١. تهران: انتشارات زرین.
- شحاتة، عزة على عبدالحميد. (٢٠٠٨م.). *التقوش الكتابية بالعمائر الدينية والمدنية فى العصرين المملوكى والعثمانى (على الحجر، الرخام، الجص، المعادن، الخشب، الزجاج)*. دسوق: العلم والإيمان للنشر والتوزيع.
- شیخة، مصطفى عبدالله. (١٩٩٨م.). *شواهد القبور الإسلامية من جبانة صعدة باليمن*. القاهرة: مكتبة مدبولى.
- \_\_\_\_\_ (١٩٨٤م.). *دراسة تاريخية و أثرية لشواهد قبور إسلامية*. القاهرة: بمتحف قسم الآثار بكلية الآداب جامعة صناعا.

طقوش، محمدحسین. (۱۳۸۰) *دولت ایوبیان*. ترجمه عبدالله ناصری طاهری. ج ۱. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

غلامی، حسین غیب. (۱۳۷۶). *بنای بر قبور*. ج ۱. قم: نشر الهادی.

کراوالی، آنجالا. (۱۳۹۰). *فرهنگ آکسفورد مقدماتی*. ترجمه خیام فولادی تالاری. ج ۱. اصفهان: نشر سپاهان.

گروسه، رنه. (۳۶۳). *تاریخ دولت‌های اسلامی و خاندان حکومت‌گر*. ج ۱. ترجمه صادق سجادی. ج ۱. تهران: نشر تاریخ ایران.

عبدالحمید، علاء‌الدین عبدالعال. (۲۰۱۳م). *شواهد القبور الأيوبية والمملوكية في مصر*. الإسكندرية: مكتبة الإسكندرية.

عبدالعظیم، محمد عبدالودود. (۲۰۰۷م). *الكتابات والزخارف على النقود والتحف المعدنية في العصر المملوكي البحري*. ریاض: مركز الملك فيصل و الدراسات الإسلامية.

عثمان، محمد عبدالستار. (۲۰۰۸م). *مسمیات المنشآت الدينية المملوكية وعلاقتها بالتخطيط والوظيفة*. الإسكندرية: دار الوفاء.

عزت الشریف، صفا محمد. (۲۰۱۶م). *القبة في العصر المملوكي*. عمان: دار دجلة.

عواجی، منصور بن ناصر. (۲۰۰۰م). *جماليات الخط العربي*. ط ۱. ریاض: دار طوقه.

فقیه، حسن بن ابراهیم. (۱۹۹۲م). *مواقع أثرية في تهامة*. ط ۱. ریاض: مطابع الفرزدق التجاري.

نمیری، ابن شیه. (۱۴۱۰ق). *اخبار المدينة المنورة*. قم: دار الفکر.

نوصیر، حسنی محمد. (۱۹۹۶م). *العمارة الإسلامية في مصر (عصر الأيوبيين والمماليك)*. القاهرة: مكتبة زهراء الشرق.

وزیری، یحیی. (۱۹۹۹م). *موسوعة عناصر العمارة الإسلامية*. ط ۱. القاهرة: مكتبة مدبولی.

یاسین، عبدالناصر. (۲۰۰۲م). *الفنون الزخرفية الإسلامية في مصر منذ الفتح الإسلامي حتى نهاية العصر الفاطمي*. ج ۲. ط ۱. اسکندرية: دار الوفاء.

Reasted, James Henry. (1909). *A History of Egypt from the Earliest Times to the Persian Conquest*. New York: Scribner.

Carol, Steven. (2008). *Middle East Rules of Thumb*. Indiana: Iuniverse.

Diamond, M.S. (2010). *A Hand Book of Mohammedan Decorative Art's*. Montana Kessinger; LLC.

Luz, Nimrod. (2010). *The Mamluk City in the Middle East*. Cambridge: Cambridge University Press.

Shillington, Kevin. *History of Africa*. Basingstoke: Palgrave Macmillan.